

# گاو

اگر گاو مهرجویی و آرامش در حضور دیگران ناصر تقوایی توقیف نمی‌شدند و مانند قیصر مسعود کیمیایی همزمان در سال ۱۳۴۸ به نمایش درمی‌آمدند شاید سمت و سو و جهت‌گیری و نتیجه‌ی جریان موج نو سینمای ایران چیز دیگری می‌شد، پدیده‌ای به مراتب پربارتر و فیلم‌سازی عمیق‌تر می‌آفرید چون بعدها از این سه فیلم که سردمداران موج نو سینمای ایران به حساب می‌آمدند تنها قیصر در همان سال به نمایش درآمد و باز تنها قیصر بود که هنوز در عمق و ریشه و ذاتش وفادار به فیلم فارسی‌های قبل از خودش بود، پس به صورت کلیدی تغییر و تحولی بنیادین در پیکره‌ی سینمای قبل از خودش به وجود نیاورد، با آن که بسیار دیده شد، اما گاو یک خرق عادت تمام عیار بود، چه به لحاظ مضمونی و چه به لحاظ ساخت به مراتب از زمان خودش جلوتر بود، قصه‌ای مالیخولیایی در ناکجا آبادی غریب با مردمی عجیب، قصه‌ای از استحاله‌ی پیرمردی با گاو خودش که مرگش را از او پنهان کرده‌اند، با اجرای جمعی از بهترین بازیگران تئاتر دوره‌ی خودش یعنی دورانی که اکثر سوپرستارهای سینما نمی‌توانستند سر صحنه دیالوگ حفظ کنند و به جایش جدول ضرب می‌گفتند. گاو پر بود از اشارات و زیرمتن‌های معترضانه نسبت به شرایط حاکم بر جامعه‌ی زمان خودش و تقدیس طبقه‌ی فرودست از گذر رنج زمانه.

